

مدیر و نگارنده

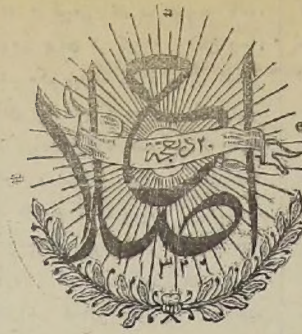
میرزا محمد رضا بوشهری

جای اداره - طهران خیابان نگارستان

اوقات طبع

اگر وجه اشتراك مرتب برسد هر هفته طبع میشود

اوانج فی امضاء معروف درج نمي شود



قیمت اشتراك

داخله سالیانه ۶۰ قران ششماهه ۴۰ قران

در ولایات اضافه اجرت پست

خارجیه ۷۰ قران ششماهه ۴۵ قران

قیمت اعلانات سطری ۵۰۰ دینار

## کلید زندگانی

دقائق یا يك سلسله حقائق

حیات فردی و اجتماعی

دربار زمینه روی سخن ما بامعریز نیست بلکه چون این جریده توجه مخصوصش باصلاح حال و هدایت احوال توده ملت است جماعتی که مقدارشان بدست معریز مصنوعی است عبوریم بالسان ساده و امثله سهل و قریب بزهن آنان در شرح تفهیمات داخل شده و تکلیف قطعی آنان را آشکار نمائیم لذا می گوئیم:

شما که این ورق باره را در نظر گذرانیده یا بنظر شما میگذرانند بی سواد یا با سواد هر چه باشید قادر هستید احساس کنید که حیات فردی شما مدتی است متزلزل گشته و هرروزه وقتی سراز خواب برمیادید جس می کنید هیچگونه اسباب آسایش یا تأمین روحی در مزاج شما مؤثر نیست بلکه با کمال لرز و وحیرت و اندیشه های گوناگون درصدد جالب آسایش و تأمین بر آمده بالاخره کاهی خود را لا علاج دیده حاضر میشود تا آنجا که مانده ای از برای حصول آن مقصود در جلو شما نیست قدم بر داشته یعنی حتی برای سرقت یا قتل نفس هم کونا می نخواستید کرد -

بلی اگر شما نتوانسته اید این احساسات خود را تشخیص داده و بیان نمایند حق داشته و مابعدیل اینکه کو چکیزین آثار طبیعت تولید قوه تاثرات روحی دیده می توانیم آن تاثرات را بالسان حقیقی آن تاثر خاطر نشان شما نمائیم

اگر شما می بینید بگرونی از کارهای عادی خود که تا دیروز در کمال شوق بان معتقد بوده بکلی خسته یا

نیست

اما متعجانه با اینکه عموم افراد

مبتلا باین بلای عظیم بوده و همگی نیز اظهار عدم رضایت می نمایند و تقریباً میتوانند بگویند که تقریباً رو بزوال و نیستی میروند مع التأسف بجای دست اتحاد یکدیگر دادن بالمعکس بجان یکدیگر افتاده دوروی دورنگی کلاشی از یکدیگر را تنفی قلب خود قرار می دهند

این عده مرمغانی که با دعای طبابت سر بلند کرده و تشخیص مرض را بعضی بوجرد حکومت معلقه و برخی از عدم مطلوب کامل ملت که به فرائسای بقول جراید سیاسی ایدال و بقول جریده ناهید فکاهی عیدال می نامند و برای حصول بان مقصد طرق متعدده پیشهاد کرده بودند اگر چه در ضمن این بیانات به بعضی حقائق دست زده و خالی از اثری نبوده اما چون بالاخره تکیه کاهی نداشت و نمیتوانست توجه عمومی را بیک طریق سهل و ساده متوجه سازد میتوان گفت غرض آنان از بیان علاج نبوده بلکه غرضشان اظهار حیات در عالم ادبیات بوده و اگر طاعت ما بظن نباشد میگوئیم در صورتیکه آن ادبایی حاذق آن قائمین نامی از تشخیص مرض و درمان عاجز مانده شما عوام ناآزادی و توده ملت چگونه با این سواد قاصر بدرک آن خواهید بود که :-

چرا مرجع امیدی برای شما نیست ؟ چرا ادارات دولتی شما تاکنون بیروح بود ؟

چرا هر عوام مجبور اراده وکیل میشود ؟

چرا هر نالایق مصدر کار دولتی میگردد ؟ بقیه در صفحه ۳

## توضیحات

۱۰ قدرت و اراده حکومت هندوستان اعنی دولت بریطانیا باعث شد که سبب آسایش و کسب و تجارت از ما دریده فامیل ما مشرق و امروز در طهران قهر در میدان مبارزه حیات ملی داخل گشته و چون تا کون سبب آن اراده بدست نباورده خود را برلماستندارک بمرکز رسانیده که بالاخره اشتباه خود یا اشتباه دولت مذکور در حق خود واقف گردیم -

در ظرف این مدت قلیل توقف خود در مرکز تقریباً بر ما معلوم گردیده که سبب استفاده و تجری دولت مذکور در این گونه اعمال از وضعیت فاکتور ظاهری و باطنی ملت خصوصاً از خوار و سستی و ضعف اولیاء امور بوده و اینها ما در یک اشتباه بزرگی داخل شده بودیم که تا پس بآیات نموده و وسایل اطمینان و اقتدار دولت مذکور در حق خود بطوری که لازم بوده فرام نباوریم ولی نظریه این که از تعقیب آن رویه نقصان بجائی مصادف نگشته و در تقصیر ما هیچ اهمیتی نمی حکمیر هیچ مستلزم نمی دانیم که برای جلب آسایش فتنشی طوق عذوبت و راه گردن نهادن و تاریخ خود را بنگین نمائیم و خوش بختانه موافق انتظار داریم که از اثرات طبیعت در تغییرات عالم می رفته امروز نتواند را بقول آشنایان به حریف مضائق بان تغییرات دیده در حالی که در بحبوحه هرج و مرج و حکومت های متزلزل وارد شدیم بناکلیات دست قوی طبیعت تهیه حکومت مقتدر کنایتی برای ما نبوده که با یک روح تازه امیدواریم هم بتوانیم مقام دولت انگلیس را در حق خود ثابت و خصانت داده دریافت نمائیم و هر یک حصه از روح متزلزل ملت را در حیات شرافت و سبادت دلالت نمائیم و با صدق این تصمیم مشخص است که در اظهار هر گونه حقیقت تلایانی دار نیز برو کلاشی نخواهیم کرد چه قطع نظر از وجوب اصلاح حیات عمومی مجبوره اصلاح حیات شخصی خود بوده و چون در حکم اجتماعات مستحکم پایه حیات شخصی موقوف به انتقام یافته نوعی است این است که مجبوریم خلاصه در اصلاحات روح جامعه ببلجهد نقائیم

۲۰ چونت ملت تمام بدبختی های جدید و انحطاطی که از ۱۷ سال باینطرف بر خلاف انتظار روی آورده از سوء اخلاق و فساد انتفا اشغالی می بینم که معرفی هو چی و محرکین گردیده و ترویج و توسعه آن دأر سبب نبوتن یک اداره عالی تمیز از در ملک و لا قیدی زمامداران که تولید گردید و سلاج و اصلاح رویه مشرطه موقوف به تنبیه اخلاق جامعه است که بجز قلم منصف بخ بود ما حاضر شده ایم مادامی که چنان اداره عالی که حافظ اخلاق از روی اصول صحیح در جاری نگردیده و ان هادی نمای با تمیز انضاط و عبارات فامیل در موقع ازادی عبط و بند در موقع اختناق دائره شهوت رانی را توسعه می دهند ما با اصول درانک اخلاقی و قانون ملکی جا از هر گونه قرضیانی که فساد و اسباب انحطاط عمومی است

۳۰ چون زبان فارسی ادبیات ما عربی و توده ملت بفرمان دوزخ بیخ لسانی اشتنا نیستند و آثار زبان خارجی اخلاقا به عموم مخصوص این فن کثیر ارزش فزانی یافت است لذا کلیات برنگ برنسیب - برنسل - پروکاکا کاندید - وزیر - سیستم و امثال از کفریات دانسته و تا جائی ماقاب عیش بجای آن کلیات بیک کلام اصول - اجزاء - تبلیغ - تمیز - تمیز - طرز - مقاصد خودمان تصایم لذا حاضر شده ایم تا از فارسی خارج نشده متکی بالسان باشیم

کویا اشخاصی که بان کلیات داده و داخل در زبان خود می نام نظر به همان ات و اسباب عوام قریب که قریب در ملک ما شاهد قتل معرفی شده بود و اسباب استفاده و قوم از طبیعت ساده ملت گردید ایشان که قدم در تجدد گذارده اوازیم تجدید شاهد مطلق فهم و مقام را این کلیات شناخته و اسباب بی خود در انتظار عوام با ارباب تکلیف قلب آنها شریف تر از عوام که دانسته اند و اگر چه به تنبیه ما خودکشی می رسیده و حزب فوج لکن چون ما منتظران نتیجه آن بر خلاف آنها مجبوراً عمل می نمائیم



که بیشتر مرجع عمومی بودند - اگر چه تشکیل کاپیه جدید ما را ابدون اصلاحات آن خواهد نمود لیکن چون غرض ما از شرح فوق بیان نکته اولیه است مجبور هستیم که بدواً خرابی‌ها را خاطر نشان نموده سپس حسب آنها را معرفی نماییم

این اجزاء ادارات آنچه شنیده می شود تمامی بواسطه و وسیله زمام کار را بدست گرفته و هیچ کدام از روی لباقت و قابلیت و بروزر امتیازات واجبه مقتضیه مصدر امر نگرددند و شروع و بهرفت ایمن وسیله بر سه رائج است که از اقر زمامداران اتالیق ضوابط النفس محافظه نگار سابق بظهور پیوسته که آنان سهوا یا عمدا میخواستند اند چنین اداری که روح ملی است دست خوش هوا و هوس خود قرارداده چون اساس این قصور از رؤساء و اجزای آنهاست و بحکم آنکه آنان جمعی منتظر القدره

بوده و به قضایات مملکت معذور بودند و دم و دید هر ذی نفوذی را دیده و مقامی برای آسایش زندگانی خود که در خطر بوده تحصیل نمایند نمی‌شود مقصود خوانند و زمامداران نیز که هیچ وقت خود را مسؤول حسن عمل ندانسته و وضعیات مملکت با آنها اجازه لاف‌پندی یا بی پرواوسی می‌دادند نمی‌توانستند موجب خرابی دانت بلکه بطور مستقیم مسؤولیت این تخریب باشخصانکه خود را محافظ قانون معرفی کرده که عبادت از وسلاعه و متزورین مملکت است زیرا که مجری قانون مادامی خود را مقید به حفظ قانون خواهد دانست که در تحت نظر یک قوه بزرخواستی محکوم بفرمود و هر خطائی کند اگر سزا نیابد بر عهده محافظ قانون است

این و خروین جدید گاهی بلباس  
و کالت زمانی بلباس جریده - کاری و  
هنگامی و مبلغ ردمی المظق و وقتی بلباس  
وزارت هم داخل خواهند شد

اجزاء ادارات دولتی باستاند  
اداره حرب که تقریباً قاضی پلا واسط  
مصدر کار شده اند بزرگترین نافع  
و موجب پیشرفت مناصد خود را د  
تجصل مثل دولتی همچو آقایی و  
می دیدند و بوعده مبادله خدمتی در آ  
اداره یا پدان رشوه حواشی نخواه  
آن هوجی کار از برای او نهی  
نمود و چون این اجزاء از حکوم  
گرفته نا مدبر و متشی در صور  
مقام خود را بوقت دانسته نهار  
هیچ گونه جلب منافع شخصی فر  
گذاری نکرد

این آقایان چون طالبی از آن  
نازمه بوی نعمات کسوناگون بمشاعرت  
رسیده و آشفته کمی بازار یافته در  
داده بود و همانطور که تقسیم شجاع  
در خود نمی دیدند که سندوقها

نهند خود محسب وقت شده جهایش را بآن آن  
 سرعت مرقی نماید و خود با کلبی بی شرمی  
 از دور نشسته نظاره نماید و تأسفانه اشخاص  
 بیشتر در مراتب و کلات و جریده نژاد که  
 مروج جفای مملکت است قرار گرفته بودند ما  
 می توانیم جرانه آبران و شفق سرخ رآ از این  
 دافره استننا ننوده و عقیده مطبئی بآن داشته  
 باشیم چه بیشتر آنان را در خط مراعات آیین  
 سوء احوال دیده و چون ممکن است در بعضی  
 جرانه دیگر نیز این عواطف موجود باشد که  
 ما هنوز عالم باها نشده ایم این است این استننا  
 را منصرف ننوده ولی خلاصه میگوئیم در تحقیقات  
 که عمل آمده بیشتر چراغ دارای مملکت مستقیم ننیده  
 و در حالی که امروز فوج فلان امیر کرده  
 اند هنوز بگرو بگذشته که گمان و توفیق زبان  
 بقدر همان امیر کشوده اند

اگرچه پایه دولت جدید مارا امداد از  
ساخته و آثار آن نیز تقريبا فواید گردیده که  
باین بندهای های احماسی خاتمه خوانده داد لیکن  
چون وظیفه ملی ما تنقید از جمیلات است ما  
معمم شده اینم برای جلوگیری از این اختلافی  
و برای رفع این خرابی در مقابل هر چه رفته  
نیکواری که این رویه تقییب نباید بدون آنکه  
از خط ادب خارج شویم فقط عین آن ضارو  
دوسیه آموز را بالان ساده نوشتیم و تغییر نداده  
و مقصد او را در جاؤ ملت و دولت اشک  
انجامیم و البته چون این رویه بزرگترین اصول  
حقیقت خواهی است هم مسلکشان می باشد  
باین اعتراضات چشم بی فرضی رآء  
و در نهایت ما نیز معاونت خوانده نمود



چرا ادارات معارف و مدارس  
شما کنترل کرد؟

چرا یکوقت مملکت شما پر از  
قشون اجنبی میگردد؟

چرا یکوقت علماء شما را از  
امان مبرکه تبعید میکردند؟

چرا حیات عمومی شما چون سایر  
ملل نیست؟

چرا در مملکت شما کار پیدا  
نمیشود؟

چرا مدلول احکام شریعت محمدی  
در صورتیکه همگی بقید اطاعت

ان اظهار عقیده مینمایند فیما بین شما  
جاری نیست؟

چرا مجبور هستید بیشتر دودغ  
بگوئید؟

چرا دعای شما بی اثر است  
چرا کسانی که مرجع امید شما

هستند و در سال برای با داری در  
ماتم آنان از جان و مال کوتاهی نمی

کنند شما رحم نکرده و نظری نمی  
نمایند؟

چرا وکیل خیانت میکنند  
چرا روزنامه نگار کاهی دلدان

روی حقایق گذارده و گاهی برخلاف  
حقایق مینویسد؟

چرا در عصری که مردمان دنیا  
هوا بیانی میکنند و در یکساعت

۵۰ فرسنگ را ذوا طلی مینمایند شما  
هنوز قادر بر همین بیانی نشده و برای

هر فرسنگ راه یکساعت بر حمت طلی  
طریق مینمایید؟

چرا ثروت طبیعی ما هنوز نفوذ  
چنانک است؟

چرا علماء دین دست از اضر معروف  
و نهی از منکر برداشته اند

چرا اگر عالمی بوظیفه خود چون  
آیت الله خالصی زاده عمل نموده و

حمله بعضی میکرد؟  
چرا اینکه چرا که هر روز از حقوق کلیه

مردم بزدن می آید بی اثر و غیر مانده  
و چرا قانین ملت قطعی بشما بیان

نموده اند  
و اگر گفته اند چرا بر وسائل رفع و

تمام دلائل فوق - کلیه بدبختی های  
مشروحه - در یک کلمه بطور مسلم جواب  
داشته و مابین عبارت برداری و کلمات  
مصنوعی و مثبت بدلائل بیچاییشما  
می گوئیم که جمع این منایب و تمام  
این مصائب ناشی از عدم روح حیات  
اجتماعی است شما اگر کوشان باین کلمه  
آشنا شده و جزئی یا کلی معانی آرایشما  
شرح داده اند باید بدانید که چوت  
هنوز در مملکت ما این اثر وجود پیدا نکرده  
و کیفیت آن در وجود شماست نموده  
نمی توانید حقیقت این کلمه جامع را در  
باید و اگر چه از شرح ما نیز ناچار  
حقیقی هست نخواست داد لیکن چوت  
بزیان ساده می گوئیم امیدواریم اجالا  
تأثیری بنماید

روح حیات اجتماعی مانع از جریان  
تمام اعمال مشروعه قومی و موجود کلیه محتاجات  
ملیه است

ساده تر بگوئیم کاهی بعضی چرا بد  
بسمع شما رسانیده اند قدرت ملت قدرتی  
جمعیت - حکومت ملت و باید شما  
و خطباییزکان کرده اند که حیات اجتماعی  
عبارت از این الفاظ است یا از خطبایه  
دانش شما حالی نکرده اند که قدرت  
ملت وقتی عرص پندام خواهد کرد و  
صورت حقیقی را ظاهر خواهد نمود که  
حیات اجتماعی در آن موجود شده باشد  
ورنه مادامی که روح حیات اجتماعی در  
بیت یک ملت موجود نشده ممکن نیست  
آن قدرت آشکار گردد وقتی شما هنوز شما  
بهرات نشده بودید از حیوان خود نیز می شنیدید  
که بدانش معالجه و تلقین غلب لیکن گمی  
بشما حالی نه بوده بود که حیات و طالب  
داری چه شرائط و صفاتی است ما اگر  
یک دسته کوشند را در یک جا جمع نموده و  
کرتی در مقابل آنان قرار دهیم چه نتیجه و اثر  
خواهیم دید البته یا آنکه در کوفشدان حکم  
کرت و تمدد جاری است بحد رویت کرت  
قط وحدت و صفاتی که از آنها ظاهر می شود  
مشه فرار است که در نتیجه آن یک از خوف

و رعب آنان فایده برده و طعمه حاصل  
خواهد کرد در این صورت هر اجتماعی  
را نمی توان قالب تصور کرد و خدا با هر  
اجتماع بی اصول نخواهد بود  
انچه اجتماعات که در محافل رهبران  
ما واقع شده با نطق های آتشین و خطبایه  
های روزین با سلاح خود اند و بهر متعجب به  
نتیجه نگردید

اگر حیات اجتماعی در بین ما بود  
یک ا از هر چون اوازم اهم موجود بود  
قوری می مقددی در نظر داشتید برآورده  
می شد و هر دشمنی مقابل ما بود دفع می  
کردید

هر عوامی ممکن نداشت کراهت  
کشد هر وزیری قا در نبود احساسا

لایق روی سکار آورد - هر و کباب  
نی قواست هر کسی را وزیر کند -  
اصول تعلیمات مدارس ما از روی اصول  
احتیاجات طبیعی بود و بالاخره یک کار  
خانه آدم سازی داشتیم  
دولت وقت قادر بود بیک اعتراض  
نامه تجاوزات اجنبی را دفع نماید -  
کار از برای عموم فراهم می کردید -  
قوت ان روح سرایه هائی گناه احکام  
نده از صدق و قوی لغز و بی اثر بیرون  
می آورد و در بازار مملکت داخل می کرد  
خط این احداث می شد - معادن بکار  
می افتاد - شما هر جا مایل بودی حرکت  
می نمودی و وسایل امور معاشیه خود را  
در ان سر زمین فراهم می کردی -  
ساعات مملکت ترقی می کرد - پول  
در مملکت بی قرب می شد - قلب و  
دردی عاری می گردید - تولید طایفه می  
کشت - عاطفه ها باعث می شد که بدلول  
احکام شریعت مطهره که حافظ ناموس و  
شرایط باطنی تو است عمل نمایی - خانه  
ها از اثر این عواطف عقیقه می شدند  
اطفال با طایفه بار میاورده - دیگر دعا  
برای مجبور نمی نمودید و از عدم تأثیرش  
گزار نمی گفتم بلکه چون حال مملکت  
معلوم بود و در خواست شئی معلوم مکان  
الحصول بود باجابت می رسید - از امان  
داری بواسطه تأییدات روحی ملکه شفقت  
دروا تولید روح انه اطوار در حضرت  
حاضر می گشت و مانند امروزه که در  
عین مانع فکر قلب و بر کردن جنای  
خرج هستی مجلس شما بی روح و بی اثر  
بود -

وکیل از خوف روح زنده جمعیت  
امکان خیانت نداشت - جریده انکار چون  
خود را مسئول ارواح زنده می دید و او را  
معاشیه او این مراب می گردید از درج  
هیچ حقیقی فرو گذاری نمی کرد -  
ما اقلا زمین پیمان می شدیم و اقلام  
نقاط وطن خود را قدم گذارده و با برافانی  
صایب و مقاصد عصر شخصی خود  
را تشخیص می دادید و اوقات همه شما  
دارای عقیده مستقل و سهم در اصلاحات  
می کشید و رفته رفته بر بسات عیون سالحه  
مملکت می افزود - مملکت بوجاهت  
ملی زینت می گشت - ثروت های طبیعی  
از خاک بیرون آورده در دست خود اند  
فرار می گرفت - وسائل اشپاش علماء حق  
را قادر می شدیم و اوانیز با گمائی  
رفاهیت حقانی مگوئید در قلوب ما داخل  
می نمودند و بعضی خرافات موهوم بامت  
غالبی از بدبختیها کشته از قلب ما زایل  
می نمودند -

علماء سوه را از حوزه علمیه خارج  
می نمودند -

دیگر چون و چرائی باقی نمی ماند -

بعباره اخری حیات اجتماعی عبارت  
از لباس دلبای جدید است که ان لباس  
حافظ مقام و حیثیات ادرس و جان و شرف  
عمومی است چوت عصر حاضر لباس عتیق  
را از تن دور نموده ما نیز باید لباس  
قدیم را از تن بیرون آورده و بهر باید  
زندگانی جدید را قابعیت کرده اوازم حفظ  
دین اسلی و قومیت خودمان را فراهم  
آوریم -

شما بطور در زمستان محتاج به  
لباس مخصوص هستید و بهر قوت باشد  
ان را تحصیل می نمائید اکنون طررز  
زندگانی دنیا بهرین شایه است - دوره حیات  
اجتماعی جدید وسائل متعدده لازم دارد  
و اگر ما ان وسائل را بدست نیاوریم و  
خود را در عدا سایر مال و جزه اموال  
دنیا معرفی نگیم چون حیوان مهور الم  
خواهیم بود

از اشخاصیکه در جواب سابق هم شرح  
ها داده و راه ها دلائل آورده احتیاج  
مینمائید که آیا ما احتیاجی جز باین روح  
داریم و نقص ما غیر از عدم این اثر  
چیز دیگر می توان تصور کرد و آیا می  
تواند اقرار کنیم که مدتی وقت گران  
بهی خود و مدیر درشن ضمیر  
شفق سوخ را بیسی فاسده منقول  
نموده

طرز تحصیل حیات اجتماعی

اشکال حل این مسئله پیش از  
تشخیص مرض و مراب فاسق است و  
شاید در ضمن تکارشات مفصلی که در باب  
ذوق بسمع شما رسانیده اند حل این  
مسئله را بنظر خود نموده و طریقی  
حل را بنفعیم و تأثیر حسن معارف  
و بیداری ملت قرار داده اند اگرچه  
ماهم اساسا باین عقیده همراه و غبراز  
این طریقی برای حصول آئینه مقاصد  
مقدسه نمی بینیم لیکن با این حال  
ما نباید اکتفا باین کلمات نموده ملت  
را به کدوال عمیق دیگر براناب ناخیم  
بلکه بزرگترین اشکال طرز تحصیل این  
مراب است که باید تشخیص ما چگونه  
در انهم معارف و حسن تأثیرش قدم  
برداریم و وجه تنوع آن درجات را  
طی نموده و خود را به مقصود رسانیم  
حل این مسئله بزرگترین کلید  
زندگانی ما است که میرزین یا نخواست

اند عدل نمائند یا وضعیات نا آوار  
ما با ناکام نمی داده لیکن ما که  
خود را در مقابل دولت قادر  
بتمهیدق عموم می بینیم و بیانیه از  
بتمام مقاصد امور انتظامیه می دهیم  
کلید این اصلاحات را بنظر ملت  
و از دولت خود انضای مساعدت  
لیکن چون بالاخره اجرای این  
و انجام این مسئله عسکه بدست  
است و دولت نیز نمی تواند قاعیه  
فکر افراد کرده بلکه مجبور است  
لیاقت و استعداد ملت رفتار نماید  
است که ما نیز بهر حسب مقتضات  
غضاب نموده و کلید انجام این  
بدست ملت داده اگر حقیقتا دارای  
است که براراب مبروه ما عدلی  
و برعادت اید خواهد رسید  
ما استحقاق و نیتی خود را  
پیشنهادهای در مقابل دولت  
می دایم که ملت آن وقت حیات  
را بدست آورده و تمام حیثیات  
بمعرض ظهور رسیده باشد آا که  
وقت تعللی در پیشنهادهای ما  
بیدار ملی از روی اساس علمی  
ان دولت را نشان داده و در قوت  
قدرت حاضر گردد

این بلا اعتراض مفصلی واجب  
جرا بد است که قطع انرا از راه  
شخصا بحکم اینگونه سرانند زبان  
دولت های وقت را مغالب ساخت  
اصلاحاتی که شخصادر اقل دارا  
را تحریک کرده اند در خواست  
در صورتی این مقام و حیثیت  
جرا بدی است که ملت از که  
احتمالات او با خبر بوده و محتاج از  
باشد اما مادامی که نموده  
باین احتیاجات نموده و وجود  
مسعد براری در خواست  
اگر ان دولت وقت بواسطه ضعف  
اقتدار جریده نکر تسلیم گشته و  
اورا انجام دهد بحکم هان ج  
آن وسعه بزودی معلوم با ارمیکه  
بیشتر همه چنانکه بسیاری از  
دوره جدید شاهد این مقال  
بطریق راه لغات طرود لالات کرده  
از روی فهم حقیقی قدم بیدار  
باشد و میگوئید برای اینکه ماده



# اشتباه عهده یا تجاهل

راجع به عربستان

در موقعی که توجّه ما سوی اصلاحات قرار  
و برای تعیین درد های باشی ملک  
کامل تیویم از جنبه نظریه ای بجای کشانی  
را علامه مند وطن معرفی نموده اند با تائید  
آن در در معرض نظر آرد می بینیم  
آنها در اشتباهاتی داخل گردیده که وقتی  
ی می گشیم از روی فلسفه سوابق احوال  
دست در موددی که اسباب اشتباه آنان  
درک می نمایم که آن اشتباهات گمراه  
ت بطور تجاهل است زیرا که اکثر بطور  
۲ از اصول جریان اداری خود خارج  
اجرائی موافق وظیفه خود رفتار نمی  
کنند است قبل از تحقیق و دست آوردن  
مقتصد با تشخیص آن قلم برداشته و اشتباه  
نویسند و این نوع اشتباهات چون خود  
آورد تقریباً منقول و صورت اقتبالی را در است  
یک اداره از جریان علمی و علمی  
ملی تکریم و حسن جریان آن اداره نیز  
بمعانی همان اشتباهات است و ما مورد خارج  
به خود عمل بنگریم روح اثرات نتیجه  
بیشی ظاهر تمام لوازم حیات اجتماعی  
بواسطه وجود آن امور موجود و منظم  
ما باز به تنقید و توهین آن قلم در آوریم  
ت تجاهل نموده و مقصود مخصوص در  
یم حالا آن مقصود چه باشد و چرا از  
حصول آن منقاد شود را در  
و می نمایم با تائید یک مسئله است که تنها  
فرضیه خود مرتکب گشته خواهد شد  
بنا بر موضوع این گونه اشتباهات  
حیطه نقشی اینگونه بروز تجاهلات  
و عقل است دلیل منطقی داشته باشد  
خداشنان اینکه ۱۷ سال است از این  
شیوه عمل خود را صرف نموده و از  
آمایش خود در حالی که آن لوازم  
م تهیه نموده اند این یک ششیر  
برای توازن غریزی مرتکب با تهم  
اشتباهات لازم بعمل آید راستی عجیب  
ن خلط و بیخ است و عجب طرار  
وی کارنامه که حاضر شده اند تملک  
قابل برای غنائی خود بیرون فا و  
یق بعید و هیچ گونه توجّه نسوی  
به غایت دامنگیر خودشان خواهند بود  
از  
دیده که ما داخل شده ایم تطبیق  
فست ولیر جنبه ترین آن مسئله عربستان  
حکومت آن غل است هر کس در آن  
انجمنی نسکالی کرده یا اگر دقیق بوده

محصراً در حاکم الملکی که بر نا سر  
داخله مملکت آشوب و مداخله اجانب بود  
قابل و شایان تمجید است در موقع جنگ  
بن المللی اگر حکومت مزبور حفظ بی طرفی  
را بعمل نیاورده بود با حملات اعراب  
که در نزدیکی اهواز قرار گرفته بودند  
واضح بود چه اشکالات رخ میداد اینک  
این غیرتمدن ایران خواب و شرارت دولت  
طوری ایستادگی نمود که موقعی از برای  
دخالت انگلستان نمانده و با قوای محلی  
خود آنها که مشار الیه قرار است آن  
قوا نیز قوای دولتی ایران است جاویدگی  
از حملات اعراب و دخالت انگلیسیان  
کرد  
کدام نمی رود لازم باشد در برابر  
خدمات صادقان این حکومت مقدر  
قایت خوش عمل بکنان بکان شرح دهیم  
ولی لازم میدانیم از معترضین یا معترضین  
سوال نمائیم در این مدت که آنها قلم  
بر خلاف آن سرزمین آرام جولان داده  
و هر گونه امنیت که شایسته نبوده بود  
آن داده اند آیا یک خط از یک تقریب است  
دارند که شکایتی از سرفرازی اجناب  
یا بی ناموسی در حق او شده باشد یا یک  
اعتراض نامه از کسی هست که حاکم  
اموال او را بدون تصدیق و تأیید غارت کرده باشد  
در محرم و عبادان و ناصری و  
اهواز و مسجد سلیمان تقریباً چهار صد هزار  
نفر اصنامی شیرازی گرمافشانی خراسانی  
پوشهری و زدی سکنا دارند و غرض عین  
از هوای لطیف و میوه های لطیف خود  
کرده یا کربای سخت عربستان قساعت  
آورده اگر این جماعت مایون و محافظان  
جان و مال و اندوس خود بپزدانند اگر  
روح آزادی در این آنها نبود هر اینه  
ان سورت گرما را در آن طراوت و نظافت  
حضارت وطن خود چگونه ترجیح می دادند  
بلی ما تصدیق داریم یک روح در آن فطنه  
مدار و یک اثر که در تمام نقاط ایران  
حکم فرما است در آن سر زمین رسوخ  
و نفوذی ندارد و آن روح هباده و  
آثار هوچی - دست درازی آشوب طلب  
است که گویا به سبب تقارن آن روح  
موسرین این بنا به جوش و خروش آمده  
و میل دارند آن نقطه را نیز مانند سایر  
نقاط وطن محل قاحت و ناز آن شود  
و هم چه گمان می نمایند که دولت نیز  
از این کلمات قریب خورده و رخنه برای  
پیشرفت مشغولات آنان خواهد نمود -  
دولتهای وقت با همه اشتباهاتی که در  
هر طریق آورده خوشبختانه هماره حسن  
اثر و وضعیات ثابت آن محل را بدیده  
اعتماد نگریسته و از اینکه در هر دو  
دانشه اند در یک چنین سر زمین دو  
یک چنین نقطه هم سر حدی که حجب  
فخر خارجی است جز در مورد چنین حکومتی  
حافظ مال و جان و اعتبار مردم و  
دولت نخواهد بود مورد تحسین  
هاند  
بعضی ها هم چه بخود امید داده  
و می دهند که از اعزام قشون دولت  
برای بران دانه هبادهای آنها ممکن است  
باز شده و تدبیراً آنها را این مانند

ایر بلاد در آشوب قرار داده و مقصود  
خود را شنا حاصل می نمایند  
ایک سیاست خنر علی که در تمام  
حکومتای شبهه اولایت خود را از دست  
برد و جنگ اجانب محفوظ دارد امروزه  
که به تها آرزوی دیرین خود یعنی به  
حکومت مقدر متبوع خود مصارف شده  
البته برای حفظ تمام دولت و روز  
صداقت خود از هیچ گونه مساعدت کوفتهای  
ندیده و تمکینات خود را در مقابل دولت  
جدید مایه فخر و اعتبار دانسته و رقم  
او پیش از سابق در نزد دولت و ملت  
محفوظ خواهد بود  
کشته از این گویا با تشکیل کابینه  
جدید حرس و طمع دیده حقیقت بین  
مغرضین را کدور کرده و نمی توانند از  
مسک رئیس کل از کان حرب که زمامدار  
کلیه امور امروزه مملکت است دعای اقدامات  
اعزام قشون بی پرده و بداند که اعزام آن  
قشون بنا بر مساعدت و مساعدت دولت چه  
حکومت مزبور و از فرط اطاعت و ارادت  
حکومت مذکور بدولت اوست موجب خیر  
های خصوصی که دارند حکومت مذبور  
با یکروح تازه حاضر برای هر گونه  
تفکرات موافق اصول جدید که لازمه

آن محل بوده گردیده و سالها این آرزو را  
در دل داشته و چنین فرصت ذی قیمتی  
را از دست نمی دهد -  
تقریباً مملکت حکومت عربستان  
مستوفی است با مملکت رئیس دولت  
حاضر هم چنانکه حکومت عربستان  
نیز هیچ وقت هوچی در دایره خود  
راه نداده مشاهده می نمایم رئیس  
دولت نیز با این شرایط بی اصولی  
همیشه مخالفت بوده و واسطه و وسیله  
در عزم خود از مخاطرات شمرده -  
خبط عجیب است یک جریده نکار  
محترم که بکلی عالم به اخلاق حکومت  
عربستان نیست بی پروا و امنیت  
هوچی گری به شخص محترم مذکور  
داده او را طرفدار قوام السلطنه معرفی  
کرده و گمان می کنند باین وسیله بتوانند  
یک چنین زمامدار قایلی را مقهور نظر  
زمامدار کل مملکت نمایند ما از جریده  
نگار محترم مذکور متعنی هستیم که  
اگر در این باب سند قطعی در دست  
دارد بپایان ما ظاهر فرموده که اگر  
ما در اشتباهی داخل نبوده و خارج  
کردیم

## هادی سالکین

و مهیج قاعدین  
( سیاست تاریک انگلیس )

ناریخچه ما مشتمل بر ۲۰۰ صفحه  
بعنوان فرق حاوی حالات مجاهدین  
جنوب بفصول ذیل تحت الطبع است  
کتابت - جزئیات - خصوصیات - مقصد  
و ممالک ما - ائتلاف شدنی و رفع  
اشتباه - لوازم حیات قومیت - جسامت  
مشرق - مقدمه - ناریخچه - کاپیات  
ناریخچه - جزئیات در تحت فصول  
اول پوشهر و تمام حقیقتات آن ( ۲ )  
مذارج ما ( ۳ ) علت ناپس جرییده  
اصلاح ( ۴ ) مجاهدات مادر درشتان  
( ۵ ) وضعیت مجاهدین ( ۶ ) شرح  
اسرای انگلیس در اهرم ( ۸ ) عملیات  
سردار عثمان جنوب ( ۷ ) رفتارهای مملکت  
خانواده قوام الملک شیرازی ( ۹ ) اثر  
برای مجله فوق  
به آقایان ذیل که ذکر مجاهدان  
در آن مجله بیان شده اطلاع داده  
می شود هر کدام مایل هستند عکس  
خود را بدارد تا یکماه دیگر برسانند  
نادر مجله موسوفه مزین گردد  
جناب غضنفر السلطنه - جناب  
سردار اشجع و برادران و مرحمت  
پناه والد شان - محمد علی خان و  
مرحومان والد و اخشان - جناب میرزا  
محمد علی دیری - آقا عبد الحسین خراز  
حاج درویش - آقا عبد الرسول

مجاهدین شیراز در پراچان ( ۱۰ )  
سپاست تاریک انگلیس ۱۱ معاینات ما  
در حق آشیخ جعفر شیرازی ۱۲ تهورات  
و مبارزات ناصر دیوان ۱۳ سبب  
مبارک ما از میدان مجاهدین ۱۴ اقدامات  
ما برای نجات ۱۵ عملیات ما در هند  
۱۶ حادثات اخیر ما در هند ۱۷ مکاتبات  
ما بعد از حکم تبعید ۱۸ محافظه کاری ما  
برای حیات ۱۹ امام محیی اوضاع داخلی  
ما ۲۰ مناظرات ما در ورود وطن -  
پوشهر - عربستان - اصفهان - اعلان  
این مجله با حروف سری مزین  
و کاغذ مطبوع و جلد عالی طبع خواهد شد قیمت  
هر جلدی ۹۵ قران طالبین رجوع بدارد  
اصلاح در طهران شود